

کودتای خونین سال یازدهم، هجری قمری

علیکامی

سوره هاشمی منزل و مدبر و بروج

# باصادقان

سایت رسمی جناب آقای غلامرضا صادقی فرد

# صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ

# وبلاگ

« اعلام برنامه مناسبت های مذهبی  
« انتشار محتوای ارائه شده در مناسبت های مختلف  
« نگاهی دقیق و تازه به تاریخ اسلام  
« بررسی اعتقادات شیعه و شبهات وارد شده

پرسش و پاسخ



فروشگاه



وبلاگ



پخش زنده





برای دریافت فایل‌های صوت،  
متن و پاورپوینت مربوط به  
مباحث مطرح شده در این شبها  
می‌توانید به پایگاه اینترنتی

[www.sadeqifard.com](http://www.sadeqifard.com)

مراجعه کنید.

کودتای خونین سال یازدهم، هجری قمری

علی بابا

سوره هاشمی منزل و مدبر و بروج



شب اول محرم ۱۴۴۳



السلام عليك يا أبا عبد الله  
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك  
السلام على الحسين  
وعلى علي بن الحسين  
وعلى أولاد الحسين  
وعلى أصحاب الحسين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالسَّمَاءِ

ذَاتِ الْبُرُوجِ \* وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ \*

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ \* قِيلَ أَصْحَابُ

الْأَعْدُودِ .

سورة بروج، آتا ۴.

قال رسول الله ﷺ

ان لقتل الحسين (ع) حرارة في قلوب المؤمنين  
لا تبرئ ابداً



كَذَبَ الْمَوْتُ **فَالْحُسَيْنُ** مُحَمَّدٌ

كَلَّمَا أَخْلَقَ الزَّمَانَ تَجَدَّدَ

إِنَّ سَيْفَ **الْحُسَيْنِ** حَيًّا وَمَيِّتًا

يَحْسِمُ الْكُفْرَ مُغَمَّدًا وَمُجَرَّدَ



اشک کالایی است کآن را هر دو عالم می‌خرند  
علی اکبر لطیفیان

اشک ما اینجا فقط این قدر قیمت یافته

ورنه جای دیگری عرضه کنی، کم می‌خرند

تا تورا داریم ما، دارا ترین عالمیم

بچه‌های ما در این خانه حاتم می‌خرند

اشک کالایی است کآن را هر دو عالم می‌خرند  
علی اکبر لطیفیان

عده‌ای دم می‌دهند و عده‌ای دم می‌زنند  
پنج تن هم این وسط دارند از دم می‌خرند  
گریه‌کن زهر است، ما تنها سیاهی لشکریم  
باز با این حال شکل گریه را هم می‌خرند

## زيارت حضرت سيد الشهداء عليّ السلام در شب قدر

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ  
أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ  
الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ  
جِهَادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

## زيارت حضرت سيد الشهداء عليؑ در شب قدر

وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ  
قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى. لَعَنَ  
اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ  
الْعَذَابَ الْأَلِيمَ. أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! زَائِرًا عَارِفًا  
بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى  
الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ».

قسم به پیامبر رحمت و خاندان مطہرا

و قسم به مبعوث حضرت خاتم الاوصیاء

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ \* وَالْيَوْمِ  
الْمَوْعُودِ \* وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ \* قُتِلَ أَصْحَابُ الْأَخْذُودِ﴾

سورہ مزمل / 1 تا 5.

# آغاز بحث کودتا از سال 1432

سال ۱۴۳۲ ضمن بحث با عنوان «از غدیر تا عاشورای ۶»  
مباحثی از کودتا به میان آمد؛ **کودتایی که در**  
**سال یازدهم هجری قمری در مهد رسالت به وقوع**  
**پیوست و روزگار اسلام و مسلمانان را سیاه کرد.**

## بحثهایی با جزئیات

در ادامه آن مباحث در سال ۱۴۳۳، به این کودکان با جزئیات بیشتری پرداخته شد و با بضاعتی که در آن روزها از این مباحث در دست بود، به تحلیل نقطه صفر کودکان و منابع مالی و انسانی آن نیز پرداخته شد.



# پایه مباحث، آیاتی از کتاب خدا

در دو سال یاد شده، پایه مباحث بر آیاتی چند از کتاب خدا  
گذاشته شده بود که آن آیات چنین دلالت‌هایی را داشت اما  
برای بسط و گسترش مباحث، آن توان در آن زمان وجود  
نداشت که از همان آیات، جزئیات کودتا نیز استخراج  
شود. در این مسیر، استخراج‌هایی نیز از تاریخ صورت گرفت.

# لجنه‌های یهودی نویسندگان تاریخ عامه

ممکن است بعضی برای این باور باشند که تاریخ نگاشته شده مسلمانان می‌تواند گویای بخشی از واقعیت و یا تمام آن باشد اما واقعیت آن است که این تاریخها حتی در احد نام نویسنده آنها نیز واقعیتها را روی کاغذ نیاورده‌اند.

وای به زمانی که مبدأ مقایسه هم وجود نداشته باشد

کتاب خدا از تحریفهای بسیاری پرده برداشته که این لجنه‌ها در خصوص تورات و انجیل انجامش داده بودند و نیز انجامش می‌دادند و این در حالی است که این دو کتاب، دو کتاب آسمانی بودند که به صورت الواح و غیر الواح نازل شده و بالاخره مرجعی برای مقایسه و مشخص شدن صحت و سقم نسبتها وجود داشت.

# بالاخره درست است یا غلط است؟!

این عقیده البته ممکن است صحت داشته باشد و ممکن نیز هست که از جاده حقیقت بسیار دور افتاده باشد اما به هر

حال، با وجود این عقیده، چگونه می‌توان به این تاریخها

استنادی داشت و بدون این استنادها چگونه می‌توان وقوع

کودتایی را که ادعا شده است، به اثبات رساند و آنها را با تمام

جزئیات مطرح کرد؟

## استفاده از سر نخها

با مراجعه به مباحث مطرح شده در سالهای یاد شده  
ملاحظه خواهد شد، در هیچ بخشی از آن مباحث، به این  
تاریخها و به این کتابها و به این احادیث، هیچ ارجاعی  
صورت نگرفته است اما تلاش شده است تا از آشفتگی  
نقلها و مقایسه آنها با یکدیگر، استفاده شود.

# دریچه‌های عظیمی به تاریخ گذشته

با این اوصاف، این استخراجها نه تنها نقطهٔ ضعفی برای این مباحث به شمار نمی‌آید که نقطهٔ قوت این مباحث نیز قلمداد می‌شود که با کنار هم گذاشته شدن این نقاط و این مباحث، دریچه‌های عظیمی به تاریخی باز می‌شود که تا کنون به روی ما بسته بوده است.

# مباحثی بر پایهٔ ۲+۳ سوره

● «سورهٔ مزمل».

● «سورهٔ مدثر».

● «سورهٔ بروج».

● «سورهٔ فجر».

● «سورهٔ تکویر».

# بازگو کنندگان تمام حقایق!

شاید این گونه به نظر آید که هیچ یک از این پنج  
سوره، هیچ ارتباطی با مباحث آینده دعوت خاتم پیامبران  
ندارد تا چه رسد به این که بازگو کنند تمام حقایق  
در مورد کودتای خونینی باشد که در سال یازدهم  
هجری قمری رخ داد.



# تمام وقایع به صورت جزئی در این آیات

از مباحثی که سال گذشته در خصوص دو سوره عظیم کتاب خدا - یعنی «سوره مزمل» و «سوره مدثر» - مطرح شد، این انتظار، انتظار شایسته‌ای خواهد بود که **جزء به جزء این مباحث از آیات این دو سوره قابل استخراج باشد تا چه رسد به آن که سه سوره دیگر از کتاب خدا نیز به این مجموعه ملحق شده باشد.**

از تفسیر جامع فاضل (۱۲)

# پیگیری آغازین بحث

از سوره بروج

سلام

# اکتفا به بحثهای سورهٔ مزمل و مدثر

سال گذشته مطالبی در مورد دو سورهٔ «مزمل» و

«مدثر» و ارتباط آنها با حضرت زهرا عَلیها السَّلَام مرضیه

در ضمن مباحث یازده شب، مطرح شد و **در بحث**

**جاری به بحث در خصوص تمام آن آیات و آیات**

**دیگری از این دو سوره نیاز است.**

## ادامه بحث از سوره بروج

در مورد «سوره بروج» - که یکی دیگر از پایه‌های اصلی این بحث است - هیچ بحثی تا کنون در این قالب مطرح نشده و این در حالی است که بحث کودتا در این سوره، به صورت روشنتر و پرمطمئن‌تری مطرح شده است.

از تفسیر جامع فاضل (۱۲)

# مرور کوتاهی بر سوره بروج

سلام الله ابدًا ما

## چهار قسم در آغاز سوره

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالسَّمَاءِ ذَاتِ

الْبُرُوجِ \* وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ \* وَشَاهِدِ وَمَشْهُودِ \* قُتِلَ

أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ \* النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ﴾.

سوره بروج ۱ تا ۵.

## خطاب سوره در واقع به خاتم پیامبران است

به جز دو آیه‌ای که در آنها به خاتم پیامبران خطاب شده در هیچ آیه دیگری از آیات این سوره، به صورت ظاهر، نام و یادی از خاتم پیامبران به میان نیامده است. این در حالی است که تمام سوره در شأن و حق آن حضرت و خاندان مطهرش نازل شده و به ذکر ویژگیهای آنان پرداخته است.

# مقابله با پیامبر رحمت و خاندان او

در این سوره علاوه بر ذکر این ویژگیها، از مقابله‌های بسیاری بحث شده که برای کشتن و نابود سازی این خانواده به کار گرفته شده است و به کار گرفته نیز می‌شود.



# اخبار آینده دعوت

اخبار آینده دعوت تا روز قیامت و برخوردهایی که مجرمان با خاندان عصمت و طهارت خواهند داشت به گونه‌ای با جزئیات مطرح شده است که هوش از سر انسان می‌رود. اخبار وقوع کودتا با جزئیات آن، بخشی از این اخبار است.

## سوره‌ای یک پارچه

تمام آیات این سوره با عوامل ربط مختلف به گونه‌ای به هم ارتباط داده شده است که با هیچ ترفند و هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا ساخت و بعضی از آیات را به این جا و بعضی را به جای دیگری مربوط دانست.

از تفسیر تائفاً ماخوذاً (۱۲۷)

ارتباط قسمها و جوابها کے قسمها با یکدیگر

سلام اللہ ابداً ما

## ارتباط قسمها با یکدیگر و با جواب قسمها

در کتاب خدا برای یک یا چند موضوع، به یک، یا دو، یا سه، یا چهار و یا پنج و یا به تعداد بیشتری سوگند، قسم یاد شده است. در تمام این قسمها، هم قسمها با یکدیگر در ارتباط هستند و هم جوابهای قسمها.

## قسم های پی در پی با «فاء عطف»

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا \*  
فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا \* فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا \* فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا  
\* إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ \* وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ \* وَالسَّمَاءِ  
ذَاتِ الْحُبُكِ \* إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ﴾

سوره ذاریات ۱ تا ۸.

از تفسیرها ما خود را (۱۲)

# قسمهای آغسازین عالمی سوره مبارکه بروج

سلام الله ابد امان

# قسمهایی عظیم در آغاز سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ \*  
وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ \* وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ \* قِيلَ أَصْحَابُ  
الْأُخْدُودِ \* النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ \* إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ \*  
وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ \*

سوره بروج ۱ تا ۷.

# قسمهائی به بندگان ممتاز خدا

نکته بسیار مهم در مورد این قسمهائی است که این قسمهها، قسمهائی به خدای جهانیان نیستند. یعنی هم قسم اول و هم قسم دوم و هم قسم سوم و چهارم، همگی قسمهائی به بندگان او هستند که بسیار ممتازند.



## چهار قسم در سه آیه

دو قسم اول از این چهار قسم، هر یک، یک آیه از این سوره را به خودشان اختصاص داده‌اند و

قسم سوم و چهارم با هم تشکیل دهنده یک آیه از این سوره هستند.

## رابطه شاهدی و مشهودی

این که این دو قسم، در یک آیه و در کنار هم قرار داشته باشند و آن قسمها هر یک آیه‌ای را به خودشان اختصاص داده باشند، ارتباط ویژه‌ای را میان این دو قسم ایجاد می‌کند؛ به ویژه آن که رابطه‌ی ویژه‌های این دو قسم، رابطه‌ی فاعل و مفعول است.

از تفسیرها ما خود را (۱۲)

محمد ص

سلام الله ابد ابا

## استفاده از ارتباط قسمها

از آن جا که این قسمها با یکدیگر ارتباطی عظیم دارند،  
با شناخت هریک از آنها می توان گامی استوار را برای  
شناخت بقیه و حتی برای شناخت جواب این قسمها بر  
داشت و به نظر می رسد، آشناترین قسم از این قسمها،  
قسم ﴿وَشَاهِدٍ﴾ باشد.

# پیامبر رحمت شاہد است

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا

وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا \* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ

وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾

سورۃ احزاب، ۴۵ و ۴۶.

## تقدمی بر سایر ویژگیها در ذکر

در این آیات، «شاهد» بر «مبشر»، «نذیر»، «داعی الی الله» و بر «سراج منیر» بودن خاتم پیامبران مقدم شده است و کمترین استفاده از این تقدم، مقام برتر «شاهد» و یا مقامی برابر سایر مقامهای ذکر شده در این آیات است.

## شاهد بر تمام عالمیان

محدوده «شاهد» بودن خاتم پیامبران همان  
محدوده «مبشر» بودن آن حضرت و همان  
محدوده «نذیر» بودن آن حضرت است و  
محدوده «نذیر» بودن آن حضرت تمام عالمیان  
است.

ممدوده انذار و تبشیر و طبعاً شهادت فاتح پیامبران

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* تَبَارَكَ

الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ

لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾

سوره فرقان ۱/۱.



پیامبر رحمت، شهید بر تمام عالمیان

به منطق کتاب خدا، پیامبر رحمت بر تمام  
امت و بلکه بر تمام امتهای «شهید» نیز هست و  
نباید از خاطرهای دور ماند که بعد دلالت  
«امتهای»، همان بعد دلالت «عالمیان» است.

شہید بر تمام امتها

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ

بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ

سورۃ نساء، ۴۱

شہیدا﴾

تمام عالمیان در تعبیر امت جمع هستند

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ

بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالِكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ

مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾

سوره انعام / ۳۸.

# همه در واژهٔ امت جمعند

در این آیه، خدای حکیم همه یا بسیاری از حیوانات را نیز

«امت» خوانده است؛ آن هم «امتی» مانند انسانها. بر

همین مبنا، تمام عالمیان در مجموعهٔ «امتها» جای

می‌گیرند.

## قسم به شاهد، قسم به خاتم پیامبران

در قسم‌های قرآنی هر جا خدا به هر وجودی قسم یاد کرده به بزرگترین و با ارزش‌ترین وجودی قسم یاد کرده است که با آن صفت و یا آن صفات وجود دارد و **با وجود خاتم پیامبران، قسم به «شاهد»، قسم به آن حضرت خواهد بود.**

قسم به خاتم پیامبران و یا به فردی در حکم او

براین مبناها، با چشم بسته باید حکم کرد  
که در آیه: ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾، خدای جهانیان به  
خاتم پیامبران و یا به فردی قسم یاد کرده  
که در حکم خاتم پیامبران است.

از تفسیرها ما خود را (۱۲)

مستوفی

سلام الله ابد ابا

## قسم به مشهود

وقتی «شاهد» خاتم پیامبران و یا فردی باشد که در عظمت همتای اوست، «مشهود» نیز به همین صورت، یا خاتم پیامبران و یا فردی خواهد بود که در ارزش و عظمت، همتا و یا شبیه او و یا در ارتباطی نزدیک با اوست.



## همتایی شاهد و مشهود

نباید البته فراموش کرد که **قسم به «شاهد»**  
و **«مشهود»** در یک آیه و در کنار هم صورت  
**گرفته است** و این مطلب علاوه بر ارتباط شاهی  
و مشهودی میان این دو تعبیر، به همتایی این دو  
قسم نیز حکم می‌کند.

## وجود تنوین در قسم به شاهد و مشهود

در آیه شریفه: ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ هم شاهد نکره است و هم «مشهود» و یعنی به یک «شاهد» مشخص و به یک «مشهود» معین، قسم یاد نشده است و یعنی هر فرد دیگری بتواند در عظمت جاگزین این دو بزرگ آفرینش بشود و از این صفت برخوردار باشد می تواند مقصود نظر این آیه و قسم ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ باشد.

## شاهد و مشهودی بسیار با عظمت

برای آن که نکره بودن این دو قسم در این آیه در  
نظر گرفته شود، باید پذیرفت «شاهد» و «مشهود»ی  
که نظیر و مشابه نداشته باشند، نمی توانند منظور  
نظر این آیه باشند و برای مثل «یوم مشهود» نمی تواند  
مقصود از قسم «ومشهود» باشد.

تعبیر یوم مشهود در آیهای از کتاب خدا

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ

الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ

وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ .

سوره هود / ۱۰۳ .

## آیه هفتم، بخشی از جواب قسم

آیات «سوره بروج» دست کم تا آیه ﴿وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ﴾ به گونه‌ای غیر قابل گسست با

یکدیگر ارتباط دارند. یعنی باید این آیه را نیز بخشی از

جواب قسم دانست.

## نزدیکترین راه برای شناخت مشهود

به دلیل این ارتباطها، شاید نزدیکترین راه برای معرفی قرآنی «مشهود»، آیه: ﴿وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ﴾ باشد که خودش بخشی از جواب این قسمها و به ویژه دو قسم ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ و در ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستی با آنهاست.

## مؤمنان مشهود هستند

بر مبنای این آیه، «اصحابِ اُخْدُود» شاهد بر  
تمام جنایاتی هستند که جانیان بر سر  
مؤمنان می‌آورند. بر این مبنای، «اصحابِ اُخْدُود»،  
شاهد و «مؤمنان» مشهود آنان هستند.

## مشهود، امیر مؤمنان است

«مشهود» مفرد است و تنها یک مصداق دارد. بنا بر این نمی‌توان تمام مؤمنان را به عنوان «مشهود»ی معرفی کرد که خدا به او قسم یاد کرده است و یعنی باید پذیرفت که خدا به ممتازترین فرد مؤمنان و یعنی به امیر آنان، و یعنی به امیر المؤمنین قسم یاد کرده است.



از تفسیر تفسیر و تفسیر (۱۲)

امکان جایه جایی مصداق **شاهد و مشهود**

علی بن ابی طالب

در

سلام الله علیهم و آلهما و سلم

﴿ **وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ** ﴾

## شاهد بودن فرد دیگری از امت خاتم پیامبران

در آیه‌ای از کتاب خدا، خبر از آن داده شده که  
غیر از خاتم پیامبران، فرد دیگری از امت او نیز  
«شاهد» است و این «شاهد» بودن از همان ویژگی  
برخوردار است که «شاهد» بودن خاتم پیامبران  
از آن برخوردار است.

شاهدی از جنس خاتم پیامبران که بعد از او می آید

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ

وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ

مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً...﴾  
سوره هود/ ۱۷.

# شاهدی که جان رسول خداست

«يَتْلُوهُ» در ﴿يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ﴾ نشان می‌دهد که این «شاهد» تالی تلورسول خداست و از همان ارزشی برخوردار است که خود آن حضرت برخوردار است و «مِنْهُ» در این بخش از آیه، حکایت از آن دارد که این «شاهد» از جنس خاتم پیامبران و جان آن حضرت است.

شاهد دیگری که خدا به او قسم یاد کرده است

براین مبنا، عبارت: ﴿يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾

برهانی قرآنی براین واقعیت است که

این «شاهد»، مقصود از «شاهد» در آیه:

﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ است.

## قسم به یک مشهود آن یک شاهد

در آیه: ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ خدای حکیم به یک «شاهد» و به یک «مشهود» قسم یاد کرده است که در نهایت عظمت و ارزش قرار دارند و در نظم فعلی مصحف باید پذیرفت که «مشهود»، مشهود همین «شاهد» و «شاهد»، شاهد همین «مشهود» است.

یعنی...

وقتی خدا به «شاهد» قسم یاد می‌کند در کنار این قسم، تنها به «یک مشهود» همین شاهد» قسم یاد می‌کند که با ارزش‌ترین است و وقتی به «مشهود» سوگند یاد می‌کند، در کنار او تنها به یک «شاهد» او نیز قسم یاد کرده که یگانه و ممتازترین است.

# جا به جایی شاهد و مشهود در شرایطی دیگر

ملاحظه شد، وقتی خاتم پیامبران «شاهد» است خدا تنها به یک «مشهود» او قسم یاد می کند که امیر مؤمنان است. حال و در شرایطی که آیه: ﴿يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ﴾ از آن بحث می کند، باید پذیرفت که جای «شاهد» و «مشهود» عوض می شود. یعنی در این شرایط، امیر مؤمنان، «شاهد» و خاتم پیامبران، «مشهود» است.



از تفسیرها و ابواب (علا)

امکان جابه جایی مصداق **شاهد و مشهود**

در **اشهاد و مشهود**

بررسی امکان شاهد بودن فردی از امت پیامبر بر او

اکنون این پرسش مهم مطرح است، مگر ممکن

است فرد دیگری در کنار خاتم پیامبران

«شاهد» باشد آن هم به گونه‌ای که پیامبر

رحمت، «مشهود» او واقع شود؟ پیامبری که بر

تمام امتها «شهد» است.

## باید دانست که ...

آیه ﴿يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ﴾ نه تنها از امکان وجود فردی خبر می دهد که در کنار خاتم پیامبران «شاهد» است که از وجوب وجود چنین فردی نیز خبر می دهد و «آیه علم الکتاب» از «شهید» بودن چنین فردی بر خاتم پیامبران و رسالت آن حضرت خبر می دهد.

شہیدی بر خاتم پیامبران و رسالت آن حضرت

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ

كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ

عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾

سورہ رعد، ۴۳.

## شاهدی بر خاتم پیامبران و بر رسالت او

بر مبنای «آیه علم الكتاب»، فردی که تمام علم تمام کتاب نزد اوست، در کنار خدا، بر خاتم پیامبران و بر رسالت او «شهدید» است و «شهدید»، «شاهد»ی همیشگی است.

## تالی تلو پیامبر شاهد و پیامبر خدا مشهود

بر اساس «آیه علم الكتاب»، فردی که «علم  
الكتاب» نزد اوست، «شاهد» و خاتم پیامبران  
«مشهود» است و باید دانست که این فرد، همان  
فردی است که تالی تلو خاتم پیامبران و جان  
اوست.

درک حلاوت یک روایت در این خصوص

«... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: ﴿وَشَاهِدِ

وَمَشْهُودٍ﴾: قَالَ: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمِيرُ

الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «.

الكافي ج ١ / ٤٢٥.

از تفسیر جامع ماثورا (۱۲)

عَلَيْكَ  
﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾

سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا



## قسمهائی در ارتباط با خاتم پیامبران

اکنون و با توجه به ارتباط قسمها با یکدیگر و نیز ارتباط آنها با جواب قسمها، باید پذیرفت که سایر قسمهای این سوره نیز، قسمهایی به خاتم پیامبران و افرادی از خاندان او و یا موضوعهایی در ارتباطی تنگاتنگ با اوست.

## تعریف سماء در آیه

«سما» در ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ از دوراه

تعریف شده است:

- از راه تعریف با «الف و لام».
- از راه توصیف با ﴿ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾.

## تعریفهایی برای نشان دادن ارزش بیشتر

این دو عامل تعریف، هر دو نشانه‌ای بر عظمت بیشتر این قسم است و نمی‌توان ادعا کرد که بخش بی اهمیت یا کم اهمیتی از آسمان مقصود این قسم است. یعنی **نمی‌توان ادعا کرد که اضافه شدن این دو عامل تعریف، برای نشان دادن ارزش پایین این قسم و یا کاهش ارزش آن صورت گرفته است.**

## سماء خاصی که دارای بروج است

به هر حال و بر اساس تعریف اول، مقصود از «سماء» حتماً «سماء خاصی» است و بر اساس تعریف دوم، آن «سماء خاص» دارای «بروج» است اما نباید فراموش شود، **هر آن چه ستاره و سیاره خوانده شود و قابلیت انتشار و جذب نور را داشته باشد و به گونه‌ای قابل رؤیت باشد، جزء «آسمان دنیا» است.**

## تعريف سماء دنيا

﴿إِنَّا زِينَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ

الْكَوَاكِبِ﴾

سورة صافات، ٦.

از تفسیر قرآنی علامه ابن کثیر (۱۷)

سلام الله ابدانا

## بروج، بخشی از آسمان دنیا

آیه دیگری از کتاب خدا به این مطلب تصریح می‌کند که «بروج» به همین آسمان و یعنی به «آسمان دنیا» اختصاص دارد. تعبیر آیه البته به گونه‌ای است که خودش نشان می‌دهد، مقصود از «بروج»، همان «کواکب» نیست.

بروج مخصوص آسمان دنیا

﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا

وَزَيْنَاهَا لِلنَّاهِرِينَ﴾

سوره حجر/ ۱۶.

قسمی به آسمان دنیا و یا قسمی به غیر این آسمان

در سایر آسمانها خبری از «بروج» نیست و آسمانی که  
خدای حکیم به آن قسم یاد می‌کند، دارای «بروج»

است. پس یا باید پذیرفت که این قسم، قسم به

آسمان دنیا است و یا پذیرفت که «السماء» به

وجودی غیر از آسمان زمینیان اشاره دارد.



نمی‌شود این گونه باشد

وصف دنیا یا به مفهوم «نزدیکتر» و یا به مفهوم «پست‌تر»  
است و در هر دو صورت، اگر مقصود از «سما» همین  
آسمان باشد، با اضافه شدن توصیف: ﴿ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ از  
ارزش و اهمیت این قسم کاسته می‌شود و این با روش  
قسم خوردن و به ویژه، قسمهای کتاب خدا، منافاتی  
روشن دارد.

## قسمی به غیر آسمان معروف زمینیان

یعنی باید پذیرفت، قسم ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾، قسمی به آسمان مشهور زمینیان نیست و باید در سایر مخلوقات خدا به دنبال وجودی گشت که خدای حکیم در این آیه به او قسم یاد کرده باشد. فراموش نشود که ارتباط قسمهای این سوره با یکدیگر، برهانی بر این مطلب است که او با خاتم پیامبران در ارتباطی تنگاتنگ است.

## وجودی در میان آسمان و زمین

وقتی «السماء» به آسمان دنیا اشاره نداشته باشد،  
به هیچ آسمان دیگری اشاره نخواهد داشت و  
مقصود از «السماء»، «الأرض» هم نیست. یعنی در  
میان آسمان و زمین باید به دنبال وجودی  
گشت که آسمان باشد و ذات بروج.

## ستاره‌های بزرگ و درخشان و منزلگاه‌های خورشید

«برج» به خانه بزرگ و یا کاخ و یا خانه‌های فرضی دوازده‌گانه خورشید گفته می‌شود و به ستاره بسیار بزرگ و درخشان نیز «برج» گفته می‌شود. **اصل این واژه گویا عبری است و در این زبان، به معنای منزلگاه و منازل خورشید به کار می‌رود.**

## بروجی خاص و مشهور

آیه شریفه: ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ﴾

خودش به خوبی نشان می دهد که مقصود از «بروج»

ستاره های خاصی است که اولاً بسیار درخشان هستند و

ثانیاً با چشم غیر مسلح از زمین نیز دیده می شوند. باید

البته توجه داشت وقتی مقصود از آسمان، این آسمان نباشد،

مقصود از «بروج» نیز این «بروج» نخواهد بود.

## بروجی خاص و مشهور

از سویی دیگر، خدای حکیم «السماء» را با «ذات البروج»  
توصیف و تعریف کرده است و یعنی این واژه باید برای  
مخاطبان تعریف شده تر باشد و این خود، برهانی بر این  
واقعیت است که این «بروج» به همان مفهومی اشاره دارد  
که از این واژه در ذهنهای مخاطبان اولیه این آیات نقش  
می‌بست.

## برجهای دوازده گانه

در زبانهای رومی و سریانی و آرامی و عربی این واژه برای منزلگاههای فرضی خورشید به کار می رفته و مردم با اسماء برجهای دوازده گانه خورشید نیز آشنایی داشتند. شاید مقصود از «مواقع نجوم» در ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾ نیز همین باشد.

تعريفى به قدمت آفرينش آسمانها و زمين

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي  
كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا  
أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...﴾

سوره توبه / ۳۶.



## قسم به پیامبر خدا و خاندان آن حضرت

آن چه گذشت، حکایتی روشن از آن دارد که ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾، قسم به شخص خاتم پیامبران است. برای این مبنا، خدای حکیم به پیامبر رحمتی قسم خورده که «ذات بروج» است و یعنی او به پیامبر رحمت و خاندان آن حضرت قسم یاد کرده است.

## درک حلاوت یک روایت

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةٌ وَذِكْرِي عِبَادَةٌ وَذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَذِكْرُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةٌ. وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ، إِنَّ وَصِيِّي لَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِنَّهُ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَيَّ عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَمِنْ وُلْدِهِ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ بَعْدِي. بِهِمْ يَحْبِسُ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ

## درک حلاوت یک روایت

وَبِهِمْ يُمْسِكُ الْجِبَالَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَبِهِمْ يَسْقَى خَلْقَهُ الْغَيْثَ وَبِهِمْ يُخْرِجُ  
النَّبَاتَ. أَوْلَيْكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا وَخُلَفَائِي صِدْقًا. عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ وَهِيَ  
اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا. وَعِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نِقَبَاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ. ثُمَّ تَلَا عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةَ:  
﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾. ثُمَّ قَالَ: أَتَقْدِرُ يَا بَنَ عَبَّاسٍ! إِنَّ اللَّهَ يُقْسِمُ  
بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَيَعْنِي بِهِ السَّمَاءَ وَبُرُوجَهَا؟ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَمَا  
ذَلِكَ؟ قَالَ: أَمَّا السَّمَاءُ فَأَنَا وَأَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأَيُّمَةُ بَعْدِي. أَوْلُهُمْ عَلِيٌّ وَآخِرُهُمْ  
الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

## عظمتی بی مانند در تعبیر

تعبیر ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ به دلیل وجود تعبیر «ذات»، تعبیر عظیمی در بیان یگانگی «بروج» و «السماء» است. بر مبنای این تعبیر، افرادی که مصداق تعبیر «بروج» می‌شوند، تمام یا بخشی از وجود «السماء» به شمار می‌آیند و یعنی این تعبیر، بیان دیگری از «آیه اَبْتِهَال» و یا فرمایش خاتم پیامبران است که حضرت زهراى مرضیه را به عنوان پاره تن خودش معرفی می‌کند.

«... أُمَّ ابْنَتِي فَاطِمَةُ، فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ

الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. وَهِيَ بَضْعَةٌ

مِنِّي وَهُوَ نُورُ عَيْنِي وَهِيَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَهِيَ رُوحِي

الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَهِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ.

مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهْرٌ  
نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ  
الْأَرْضِ. وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي!  
انظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي، قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ  
تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي، وَقَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى  
عِبَادَتِي. أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ بِشَيْعَتِهَا مِنَ النَّارِ

از تفسیر بیستمین مائتود (۱۲)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿١٢﴾

سلام الله ابدًا ما

# الیوم الموعود، روز قیامت نیست

«الیوم الموعود» یعنی روز مشخصی که به آن وعده داده شده است. حال اگر چنانچه این تعبیر به روز قیامت اشاره داشته باشد، باید پذیرفت که این روز هیچ اختصاصی به خاتم پیامبران نخواهد داشت در صورتی که این روز، در ارتباطی تنگاتنگ با خاتم پیامبران و با خاندان آن حضرت است.



يوم الوعيد همان يوم الموعود نیست

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ﴾ \*

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ

وَشَهِيدٌ ﴿سورة ق/ ۲۰ و ۲۱﴾

# مقایسهٔ یوم الوعید و الیوم الموعود

دقت شود که در تعبیر «یوم الوعید»، «یوم» بدون «الف و لام» به کار رفته و این در حالی است که «الیوم الموعود» صفت و موصوف است و در چنین حالتی، «یوم» حتماً باید «الف و لام» داشته باشد.

# نیاز به مروری بر وعده‌های قرآنی

بنا بر این و برای پیدا کردن روزی که مورد وعده خداست، لازم است، مروری بر وعده‌های قرآنی صورت بگیرد و از آن میان، روزی مشخص شود که با خاتم پیامبران و با شاهد و مشهود بودن آن حضرت و نیز با «ذات البروج» بودن او و خاندان مطهر او ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد.

## نتیجه‌ای منحصر به فرد

«الیوم الموعود»، «روز مبعث حضرت خاتم الأوصیاء»

است که خدا باقیمانده غیبت آن حضرت بر ما

ببخشد. این روز، روز موعود «آیه استخلاف» و روزی است

که تمام امید تمام پیامبران و از جمله، خاتم آنان به همین

روز است.

# مقتل حضرت جون عليه السلام

فلما نشب القتال وقف أمام الحسين (عليه السلام) يستأذنه في القتال، فقال له الحسين (عليه السلام): يا جون أنت في إذن مني، فإنما تبعتنا طلبا للعافية فلا تبتل بطريقتنا، فوقع جون على قدمي أبي عبد الله يقبلهما ويقول: يا بن رسول الله أنا في الرخاء أحسن قصاعكم وفي الشدة أخذ لكم؟! إن ريحي لنتن وإن حسبي للئيم وإن لوني لأسود، فتنفس علي في الجنة ليطيب ريحي ويشرف حسبي ويبيض لوني، لا والله لا أفارقكم حتى يختلط هذا الدم الأسود مع دمائكم، فأذن له الحسين (عليه السلام)، فبرز وهو يقول: كيف ترى الفجار ضرب الأسود

# مقتل حضرت جون عليه السلام

بالمشرفي والقنا المسدد يذب عن آل النبي أحمد ثم قاتل حتى قتل.  
وقال محمد بن أبي طالب: فوقف عليه الحسين (عليه السلام) وقال:  
اللهم بيض وجهه وطيب ريحه واحشره مع الأبرار وعرف بينه وبين  
محمد وآل محمد. وروى علماءنا عن الباقر (عليه السلام) عن أبيه زين  
العابدين (عليه السلام) أن بني أسد الذين حضروا المعركة ليدفنوا  
القتلى وجدوا جونا بعد أيام تفوح منه رائحة المسك

نه شاه تشنه لبان بر جدال طاقت داشت

نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت

هوا ز جور مخالف چو قیرگون گردید

عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید

بلند مرتبه شاهی ز صدر زین افتاد

اگر غلط نکنم، عرش بر زمین افتاد

بلند مرتبه شاهی و پیکرت افتاد

همین که پیکرت افتاد خواهرت افتاد

تو نیزه خوردی و یک مرتبه زمین خوردی

هزار مرتبه زینب، برابرت افتاد

همین که از طرف جمعیت دو تا چکمه

رسید اول گودال، مادرت افتاد



تورا به خاطر درهم چه دره‌مت کردند  
چنانکه شرح تن توبه آخرت افتاد

ولی به جان خودت خواهرت مقصر نیست  
در آن شلوغی اگر بارها سرت افتاد

خبر رسید که انگشتر تورا بردند  
میان راه، انگوی دخترت افتاد

از نسیب پر نام عاشورا (۱۷)


کنار خیمه رسیده است لشگر کوفه  
و خواهر توبه یاد برادرت افتاد

سلام  
علی اکبر لطیفیان



البر الطاهر اليد المقبولة كالأ





برای دریافت فایل‌های صوت، متن و پاورپوینت مربوط به  
مباحث مطرح شده در این شب‌های می‌توانید به پایگاه اینترنتی

[www.sadeqifard.com](http://www.sadeqifard.com)

مراجعه کنید.

